

محورهای وحدت اسلامی

محمدعلی احمدی
عضو حلقه علمی بلاغ

چکیده: تمسک به قرآن و اهل بیت پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عامل رهایی از هرگونه انحراف است. در نوشتار حاضر، موضوع وحدت اسلامی و عوامل آن از دیدگاه قرآن به عنوان کتاب هدایت کننده و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام به عنوان مفسران واقعی قرآن مورد بررسی قرار گرفته است.

در متون اسلامی به هفت عامل اتحاد اشاره شده که مهم ترین آنها تمسک به قرآن و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، پیروی از خدا و رسول، تهذیب و تزکیه نفس است.
واژگان کلیدی: وحدت، اتحاد و انسجام، تقرب، قرآن، حدیث.

مقدمه

وحدت عامل پایداری و حیات هستی است.
برگ ساز کائنات از وحدت است اندر این عالم حیات از وحدت است
(اقبال لاهوری)

وحدت محرک اصلی در انقلابها بوده است و انسانها را در راه رسیدن به پیروزیها، از موانع و گردنههای صعب العبور، عبور می دهد؛ به ناتوانیها توان می بخشد و دشواریها را آسان می سازد.

غرض از انجمن و اجتماع جمع قواست
چرا که قطره چون شدم متصل به هم در یاست
ز قطره هیچ نیاید ولی چو دریا گشت
هر آنچه نفع تصور کنی در او آنجاست

نقش وحدت و برادری در پیشبرد اهداف اسلام به قدری برای دشمنان و استعمارگران گران بود که بهترین راه برای نفوذ به کشورهای اسلامی را ایجاد تفرقه معرفی کردند و با راهبرد «تفرقه بینداز و حکومت کن» وارد میدان شده، خسارت‌های جبران‌ناپذیری به اسلام و مسلمانان وارد آوردند. قرآن کریم هم به این شیوه طاغوتیان در ایجاد اختلاف و تفرقه برای ثبات حکومت خویش اشاره فرموده است. خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا أَهْلَهَا شِيْعًا﴾^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اهمیت و ضرورت وحدت می‌فرماید:

«من فارق الجماعة شبراً فميتة الجاهلية»^۲؛ کسی که به اندازه یک وجب، از جماعت مسلمین کناره بگیرد و در آن حال بمیرد، در حال جاهلیت (عدم اسلام) مرده است.»

علی علیه السلام درباره زشتی اختلاف و تفرقه می‌فرماید:

«إياكم في التلون في دين الله فإن جماعة فيما تكرون من الحق خير من الفرقة فيما تحبون من الباطل وإن الله سبحانه لم يعط أحد بفرقة ممن مضى ولا ممن بقي؛ آدین خدا را، به شعبه‌ها و گروه‌های مختلف تقسیم نکنید، هر چند از هم‌کیشان خود ناراضی باشید، زیرا سازش با کراهت و عدم رضایت با آنها بهتر است از اینکه از ایشان جدا شوید.»

اتحاد بندگان زمینه بارش فیض‌های الهی است. بی‌گمان در تاریخ گذشته و آینده بشر، هرگز خداوند در اختلافات خیری را قرار نداده است.

البته وحدت اسلامی به معنای آن است که با حفظ عقاید قطعی و مسلم خود، در مقابل دشمنان مشترک موضع واحدی داشته باشیم و از آنان غافل نباشیم. این بدان معنا نیست که از بحث و گفتگوی علمی و به دور از تعصب برای نیل به حقیقت پرهیز کنیم. به فرموده نغم امام خمینی رحمته الله علیه وحدت کلمه، در زیر لوای توحید قابل جمع است.

تلاش ائمه علیهم السلام در تقریب

امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه درباره معنی اسلام می‌فرماید: «ذلک لانه اسم

۱. قصص/۴.

۲. سید جواد مصطفوی، پرتوی از نهج البلاغه، ص ۲۱۵.

۳. سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۷۶، ص ۴۸۳.

سلامة و جماع کرامة؛ اسلام نام سلامت و مجمع کرامت است». تمام کرامت‌های انسانی در اسلام وجود دارد. بنابراین مردمی که در زیر لوای اسلام گرد آمده‌اند، با یکدیگر در سلامت زندگی می‌کنند و کرامت و شرافت ذاتی خویش را همواره درخشان نگه می‌دارند.^۱

حضرت در خطبه ۱۶۹ نهج‌البلاغه درباره ناکثین که بیعت خود را شکستند و شمشیر کشیدند، فرمودند:

«این گروه همگی با امارت و حکومت من مخالف بودند. این عیبی ندارد، اما تا روزی مخالفت را برمی‌تابم که بر صف واحد و همبستگی مردم لطمه وارد نشود. اگر آن‌ها بر رأی بی‌پایه خود اصرار ورزند، مردم را گروه گروه کنند و نسبت به آینده ناامیدشان سازند، «انقطع نظام المسلمین» نظام عمومی جامعه اسلامی متزلزل خواهد شد.^۲»

ابن ابی‌الحدید می‌گوید: در داستان شورا، چون ابن‌عباس می‌دانست که نتیجه چیست، از علی علیه السلام خواست که در جلسه شرکت نکند، اما علی علیه السلام پیشنهاد او را نپذیرفت و فرمود: «إني أكره الخلاف» من اختلاف را دوست نمی‌دارم. ابن‌عباس گفت: «إذا تری ما تکره» بنابراین با آنچه دوست نمی‌داری، مواجه خواهی شد.^۳

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«لیس رجل أحرص علی جماعة أمة محمد و ألفتها متی و ابتغی بذلک حسن الثواب؛ در امت اسلامی، هیچ‌کس همانند من نسبت به وحدت امت محمد و انس گرفتن آنان به یکدیگر حریص‌تر نیست.»^۴

روزی یکی از فرزندان ابولهب، اشعاری در مدح و ذی‌حق بودن آن حضرت و ذم مخالفانش سرود. هنگامی که امام علیه السلام از آن اشعار آگاه شد، قاصدی را فرستاد تا شعرش را نخواند. سپس فرمود: «سلامة الدین أحبّ علینا من غیره»؛ سلامت دین اسلام از اختلاف برای من بهتر و خوشتر از هر چیز دیگری است.^۵

ابن ابی‌الحدید در شرح خطبه ۱۱۹ به نقل از عبدالله جناده چنین می‌نویسد: روزهای اول خلافت علی علیه السلام در حجاز بودم. بعد از عمره به مدینه آمدم. علی علیه السلام در حالی که شمشیر خود را حمایل داشت، برای ادای نماز آمد. خطبه‌ای ایراد کرد و در

۱. همان، خطبه ۱۵۲، ص ۲۸۱.

۲. همان، ص ۳۲۲.

۳. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۴۸۸.

۴. سید رضی، نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نامه ۷۸، ص ۶۱۹.

۵. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۴۸۹.

آن فرمود: مردم فکر نمی‌کردم که امت پیامبر در حق ما طمع کنند. اما آنچه نباید شود، واقع شد. عزیزانی از ما گریستند. غم بزرگی بر ما وارد شد، ولی این همه را برای حفظ وحدت مسلمین و ترس از تفرقه تحمل نمودم «ایم الله لولا مخافة الفرقة بین المسلمین أن يعود الکفر؛ اگر از وقوع تفرقه و شکستن وحدت مسلمین نمی‌ترسیدم و اگر بیم بازگشت کفر و شرک جاهلی به امت اسلام نبود و اگر از تباه شدن دین نمی‌ترسیدم، با مردم به گونه‌ای دیگر رفتار می‌کردم»^۱.

امیرالمؤمنین علیه السلام در بستر شهادت به امام حسن و امام حسین علیهما السلام چنین وصیت می‌فرماید:

«شما هر دو فرزندم را به تقوای الهی توصیه می‌کنم. دنیا را پی‌مگیرید. شما و دیگر فرزندانم و تمام کسانی که وصیت مرا دریافت می‌کنند را به تقوی الهی و نظم در کارها و ایجاد صلح و وحدت در میان صفوف خود توصیه می‌کنم. از جد شما شنیدم که فرمود: آشتی دادن دو تن از یک سال نماز و روزه گرفتن ارزشمندتر است. بر شما باد به همبستگی و فداکاری و از هم‌گسستگی و پشت کردن به یکدیگر بپرهیزید»^۲.

کلبی می‌گوید: هنگامی که امام علی علیه السلام برای سرکوبی پیمان‌شکنان عازم بصره گردید، این خطبه را ایراد فرمود: «وقتی خدا پیامبرش را قبض روح کرد، قریش با خودکامگی خود را بر ما مقدم داشت و ما را از حق خود بازداشت، ولی من دیدم که صبر و بردباری بر این کار بهتر از ایجاد تفرقه میان مسلمانان است؛ زیرا مدت زیادی نبود که مردم اسلام را پذیرفته بودند»^۳.

علی علیه السلام برای حفظ وحدت مسلمین از حق خود و همسر و فرزندان گذشت و با تحمل ناکامی‌ها و ناروایی‌ها، اتحاد و اتفاق مسلمانان را بر خود و خانواده و تمام شوون زندگی مقدم داشت^۴.

عبدالمتعال صعیدی، استاد دانشگاه الازهر در مقاله‌ای تحت عنوان علی بن ابی طالب و تقریب بین مذاهب می‌نویسد:

این فضیلت بزرگی برای امیرالمؤمنین علیه السلام است که اولین بنیانگذار تقریب بین مذاهب است. از نگاه علی علیه السلام اختلاف رأی و نظر نباید موجب تفرقه و پراکندگی گردد

۱. خلیل‌الله فاضلی، وحدت ملی، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، ش ۵ و ۶.

۲. عبدالمجید معادی‌خواه، فرهنگ آفتاب (فرهنگ تفصیلی نهج‌البلاغه)، ج ۱ و ۲، ص ۸۸.

۳. «فرأیت أن الصبر علی ذلک أفضل من تفریق کلمة المسلمین و سفک دمائهم».

۴. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۴۸۸.

و غبار دشمنی را میان طوایف مختلف برپا کند، بلکه مسلمانان با وجود اختلاف نظر باید وحدت و یگانگی خود را حفظ کنند و برادروار زندگی نمایند. به فرموده حضرتش، با مخالفت باید به نحو شایسته درباره موضوع مورد اختلاف به بحث و گفتگو پرداخت، به گونه‌ای که به دور از تعصب، مقصود از بحث رسیدن به حقیقت باشد نه غلبه و پیروزی. این یکی از فضایل علی علیه السلام است که از فضیلت و شرافت خانوادگی و قرابتش به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و سبقتش در ایمان کمتر نیست. او بود که جهاد به رأی و جهاد به مال و جهاد به شمشیر کرد. صعیدی توضیح می‌دهد که نخستین اختلاف میان مسلمانان اختلاف بر سر خلافت بود و علی علیه السلام با آنکه می‌دانست از دیگران به خلافت سزاوارتر است، ولی با ابوبکر، عمر و عثمان به مدارا رفتار کرد و از هیچ‌گونه کمک نسبت به آنان دریغ نفرمود تا الگوی مدارا و حافظ اتحاد، در برابر اختلاف رای باشد. آن‌گاه که با اصرار مسلمانان به خلافت رسید، هیچکس را ملزم به قبول خلافتش نکرد و با یاران خود با کمال گذشت و مناعت رفتار می‌کرد. علیه خوارج حکم به جنگ نفرمود تا وقتی شمشیر به رویش کشیدند. دستور داد از قاتلش به خوبی پذیرایی کنند و بیش از یک ضربه به او نزنند!

روایات بسیاری در منابع شیعه در خصوص تشویق و ترغیب شیعیان نسبت به اصلاح روابطشان با اهل سنت و شرکت در جماعات آن‌ها وارد شده است. معاویه بن وهب از امام صادق علیه السلام می‌پرسد: با آنان که هم عقیده ما نیستند چگونه رفتاری داشته باشیم؟ حضرت در پاسخ فرمودند:

«تنظرون إلی أئمتکم الذین تقتدون بهم فتصنعون ما تصنعون فالله إنهم ليعودون مرضاهم و یشهدون جنائزهم و یقیمون الشهادة لهم و علیهم و یؤدون الأمانة إلیهم»^۲.

در روایتی دیگر اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود: «ای اسحاق با اهل سنت در مساجد آنان نماز می‌گزاری؟ عرض کردم: آری، فرمود: با آنان نماز بخوان؛ زیرا آنکه از شما در صف اول با آنان نماز می‌خواند، مانند کسی است که در راه خدا ششمیر می‌زند»^۳.

در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «در نمازهای آن‌ها شرکت کنید، از

۱. سید جواد مصطفوی، پرتوی از نهج البلاغه، ص ۲۵۶.

۲. مبانی و اهداف وحدت، نشریه استاندارد، شماره ۷.

۳. مظفر مهربادی، هفته وحدت تقریب مذاهب، روزنامه اطلاعات، ۸۵/۱/۲۶.

بیماران آنان عیادت کنید، بر سر جنازه آنها حاضر شوید تا بگویند خدا رحمت کند جعفر بن محمد را که یارانش را ادب کرده است. زینت ما باشید و نه مایه ننگ و شرمندگی».

امام صادق علیه السلام درباره آسیب‌ها و تهدیدهای فراروی وحدت و همبستگی اجتماع می‌فرماید: هرگاه روابط مردم بر سه پایه و محور استوار نباشد، آن جماعت در معرض سستی و فروپاشی قرار می‌گیرد و زمینه‌ساز شماتت دشمنان و طعنه بدخواهان را فراهم می‌کند. آن سه محور وحدت‌آفرین از این قرار است:

۱. «ترک الحسد فیما بینهم لئلا یتخرّبوا فیتشتت أمرهم».

«نخستین عامل» برای پیشگیری از ضعف و سستی جامعه اسلامی آن است که حسد را نسبت به یکدیگر ترک کنند، تا گرفتار تشتت و تفرقه در امور نگردند.

۲. «والتواصل لیکون هادياً لهم علی الألفة».

«عامل دوم» پیوند ارتباط با یکدیگر است. این پیوند آنان را به الفت و همبستگی سوق می‌دهد. بسیاری از کینه‌ها و ناهماهنگی‌ها، معلول جدایی و ضعف ارتباط است. ۳. «والتعاون لتشملهم العزة».

«عامل سوم» یاری و تعاون است تا عزت، همه را فرا گیرد. «عزت» در فرهنگ دینی به معنای صلابت و شکست‌ناپذیری و استواری است و امت عزیز، امتی است که هیچ رخنه و شکافی در پیکره منسجم او پدید نیاید.

حضرت در روایتی دیگر می‌فرماید: برادران دینی در صورت توجه به سه عامل و رعایت آنها عزتمند و متحد خواهند شد. این سه عامل، اینهاست:

«وهی التناصف و التراحم و نفی الحسد؛ مراعات انصاف با یکدیگر، شفقت و ترحم نسبت به افراد و ترک حسد و رشک بردن».

وقتی چاشنی انصاف و شفقت و ترک حسد در مجموعه ترکیبی یک جامعه به کار گرفته شود، تداوم اخوت، وحدت ملی و دینی تضمین شده است^۱.

عوامل وحدت

۱. پیروی از خدا و رسول الله

خداوند متعال در توصیف پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «از میان شما پیامبری آمد که رنج شما برای او سخت و برای هدایت شما اصرار دارد و نسبت به

۱ جواد محدثی، رمز و راز وحدت از دیدگاه امام صادق علیه السلام، مجله پزشکی کوثر، ش ۱۶.

مؤمنان رؤوف و مهربان است.^۱

همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام نقش رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را در ایجاد وحدت بین مؤمنین با توجه به اختلافات قومی و قبیله‌ای دوران جاهلیت این گونه بیان می‌فرماید:

«قد صرفت نحوه أفئدة الأبرار و ثنيت إليه أزيمة الأبصار دفن الله به الضغائن و اطفأه النواثر آلف به إخواناً و فرق به أقراناً أعزّ به الذلّة وأذلّ به العزّة؛ دل‌های نیکوکاران شیفته او گشت و عنوان دیده‌ها به سوی او متوجه شد. به برکت وجودش، کینه‌های دیرینه را دفن و شعله‌های دشمنی را فرونشاند و مردم را با یکدیگر الفت داد و برادر ساخت.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای انجام فرمان خدا قیام کرد و رسالت پروردگارش را به مردم ابلاغ نمود. خداوند به وسیله او گسیختگی‌ها را پیوستگی بخشید و پس از آن که در سینه‌ها آتش دشمنی و در دل‌ها کینه برافروخته جای گرفته بود، بین خویشان و بستگان یگانگی برقرار ساخت.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر آیه **﴿فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ﴾**^۲ می‌فرماید:

«فالرد إلى الله الأخذ بمحكم كتابه و الرد إلى الرسول الأخذ بسنة الجامعة غير المفرقة؛ پس اگر در چیزی نزاع کردید، در آن به خدا و رسولش رجوع کنید، پس رجوع به خدا یعنی عمل کردن به قرآن و رجوع به پیامبر یعنی عمل کردن به سنت او که وحدت بخش است نه عامل پراکندگی»^۳.

هرچند، اصل اساسی توحید مبنای ضروری وحدت مسلمانان محسوب می‌شود، اما اطاعت از رسول خدا در راستای اطاعت از خداوند است.

رسول گرامی اسلام مدار اطاعت الهی قرار گرفته و خداوند فرمان پیروی از ایشان را در چند آیه فرموده است.

﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ﴾^۴ این آیه، اعراض از ساحت قدس رسول اکرم و روگردان شدن از اطاعت آن حضرت را کفر تلقی کرده است؛ یعنی اگر کسی از جهت اعتقادی روی گردان شود، دچار کفر عقیدتی است و اگر

۱. **﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾** توبه/۱۲۸.

۲. سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، خطبة ۹۶، ص ۱۷۸.

۳. نساء/۵۹.

۴. سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، نامه ۵۳، ص ۵۷۶.

۵. آل عمران/۱۳۲.

کسی معتقد باشد، ولی در مقام عمل اعراض کند به کفر عملی مبتلاست. چنین فردی در هر دو حال از کافران به شمار می‌رود. ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾. این رحمت خاصه است که در پرتو اطاعت از خدا و پیامبر نصیب اطاعت‌گران می‌شود. فوز عظیم که بهشت جاویدان، نمودی از آن است، در پرتو پیروی از خدا و رسول اکرم به دست می‌آید. در مقابل سرپیچی و نافرمانی در برابر خدا و پیامبر مایه عذاب دردناک و ذلت و خواری است. در حقیقت فروتنی در برابر خدا و پیامبر، زمینه فوز بزرگ و عزت راستین را فراهم می‌نماید.

۲. تمسک به قرآن

همه مسلمانان ایمان دارند که قرآن کتابی است که هیچ‌گونه اختلاف و باطلی در آن راه ندارد ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ﴾^۱. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «عليكم بالقرآن فاتخذوه إماماً وقائداً»^۲. بی‌جهت نیست که ناپلئون بناپارت پس از فتح اسکندریه و قتل‌عام مسلمانان آن سامان، در پشت میز خطابه قرار گرفت و به لشکریانش گفت: اگر می‌خواهید که مسلمانان را از بیخ و بن براندازید، باید اذان و قرآن را از میانشان ریشه‌کن سازید^۳. قرآن کریم اولین منادی امت واحده و وحدت اسلامی است ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً﴾^۴.

وحدت امت در زیر سایه توحید معنا پیدا می‌کند. پذیرفتن پروردگار واحد و اعتقاد به توحید و طرد هرگونه طاغوتی که نسبت به فرامین الهی سرکشی و استکبار دارد، رمز وحدت امت است، چرا که اگر توحید و ربوبیت کامل حاکم نباشد، مردم به فرقه‌های گوناگون تبدیل می‌شوند و هر کدام از طاغوتی تبعیت خواهند کرد. خداوند متعال همه پیامبران و پیروان آن‌ها را به توحید و تقوی دعوت نموده و می‌فرماید: «همه شما امت واحد هستید. تفاوت‌ها میان شما و همچنین پیامبرانتان هرگز دلیل بر دوگانگی نیست». در این آیه به وحدت و یگانگی جامعه انسانی و حذف هرگونه تبعیض و جدایی دعوت شده است. خداوند سبحان نه تنها امت اسلامی بلکه

۱. فصلت/۴۲.

۲. جمهوری ۱۳ و ۱۵/۱۲/۸۵. فداحسین عابدی، تمسک بر قرآن و عترت تنها راه وحدت در نگرش فریقین،

۳. حسن راشدی، نماز شناسی، ص ۲۸۹

۴. انبیا/۹۲.

اهل کتاب را نیز به وحدت بر محور توحید فراخوانده و آنان را به اجتناب از تفرقه دعوت می کند ﴿ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالُوا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ ﴾^۱.

نقطه مشترک تمام ادیان الهی، دعوت به توحید و یکتاپرستی فطری انسان هاست. توحیدی که زیربنای ادیان است، لازمه اش پذیرفتن ولایت الله و طرد هرگونه ولایت غیر است.

در سوره انبیا چنین می فرماید:

﴿ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ ۲ ﴾ . در این آیه خطاب به پیامبر گرامی اسلام می فرماید که ما هیچ پیامبر و رسولی نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که هیچ خدایی غیر از من نیست و فقط مرا عبادت کنند. ﴿ آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ ﴾^۳؛ «رسول به آنچه بر او نازل شده ایمان آورده و مؤمنان نیز هم به خدا و فرشتگان خدا و کتب الهی و پیغمبران خدا ایمان آوردند، ما میان هیچ یک از پیغمبران فرق نگذاریم.»

یکی از متعلقات ایمان در اسلام ایمان به نبوت پیامبر اکرم ﷺ و پیامبران پیشین است. طبق این آیه، ما در ایمان انبیای گذشته هم مشترک هستیم و به آنچه که بر پیامبران گذشته نازل شده نیز ایمان داریم.

محورهای وحدت بخش در قرآن

۱. توحید و پرستش خداوند: ﴿ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ ﴾ . خداوند متعال می فرماید: ﴿ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ ﴾^۴؛ «ما پیش از تو پیامبری را نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که معبودی جز من نیست؛ پس مرا پرستش کنید.»

۲. نفی شرک: ﴿ وَ لَا تُشْرِكْ بِهِ شَيْئًا ﴾.

۳. نفی سلطه دیگران: ﴿ وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ ﴾^۵.

۱. آل عمران/ ۶۴.

۲. انبیا/ ۵۲.

۳. .. بقره/ ۲۸۵.

۴. انبیا/ ۲۵.

۵. آل عمران/ ۶۴.

۴. قبول انبیای گذشته: «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ وَ مَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ»؛ «خداوند می‌فرماید بگویند که ما ایمان آوردیم به خدا و آنچه که بر ما و پیامبران گذشته نازل شده است. ما با پیامبران کتاب نازل کردیم تا آن کتاب بین مردم به حق حکم کند و اختلافات آن‌ها را برطرف کند».

قرآن کریم از امت واحده به عنوان «رحمت» یاد می‌کند: «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ»^۱.

حفظ وحدت در صدر اسلام موجب انسجام مسلمانان شد. آن‌ها در پرتو همین همدلی توانستند بر خیل دشمنان فائق آیند و به امتیازات فوق‌العاده دست یابند.

۵. اعتصام به حبل الله:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا»^۲.

مرحوم علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» می‌فرماید: آیه قبل یعنی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ» خطاب به افراد است، یعنی از تک‌تک مردم می‌خواهد که در حد بالا تقوی داشته باشند. اما در آیه مبارکه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا» دو کلمه «جمیعاً و تفرقوا» شاهد بر این است که با جامعه مسلمانین و مجتمع اسلامی سخن می‌گوید.

بر این اساس پیام‌های آیه از این قرار است:

۱. تمسک و اعتصام به حبل‌الله تعبیر دیگری از وحدت مسلمانان است.
۲. استفاده از واژه «جمیعاً» به این معناست که وحدت جز با حرکت جمعی محقق نمی‌شود.

۳. همبستگی و همدلی از جمله نعمت‌های الهی است که باید همواره آن را مورد توجه قرار داد.

حضرت امیرالمؤمنین ع در این مورد می‌فرماید:

نعمت‌های بزرگ الهی که به هنگام بعثت پیامبر اسلام ص بر آنان فرو ریخت را بنگرید که چگونه اطاعت آن‌ها را با دین پیوند داد و با دعوتش ایشان را به وحدت

۱. بقره/۱۳۶.

۲. شوری/۸.

۳. آل‌عمران/۱۰۳.

رسانید و چگونه نعمت‌های الهی بال‌های کرامت خود را بر آنان گستراند و جویبارهای آسایش و رفاه را برایشان روان ساخت و تمام برکات آئین حق آنان را در بر گرفت. در نعمت‌ها غرق گشتند و به خرمی زندگانی شادکام شدند. امور اجتماعی آنان در سایه قدرت حکوت اسلام استوار شد و در پرتو عزتی پایدار آرامش یافتند. آگاه باشید که شما هم اکنون از رشته اطاعت دست کشیدید و با زنده کردن ارزش‌های جاهلیت، دژ محکم الهی را درهم شکستید، در حالی که خداوند بر این امت اسلامی به (وحدت و برادری) منت گذارده بود که در سایه آن زندگی کنند. نعمتی بود که هیچ ارزشی نمی‌توان همانند آن تصور کرد؛ زیرا از هر ارزشی گران‌قدرتر و از هر کرامتی والاتر بود!

۴. وحدت، نعمت الهی و اختلاف، نعمت و عذاب است که زمینه جنگ و قتل و ناامنی را فراهم می‌کند.

۵. همبستگی و وحدت هدایت‌بندگان است.

۶. نبود وحدت نشانه تفرقه و دشمنی است.

۶. ایجاد همدلی: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ﴾^۲؛ یعنی اگر همه آنچه را که در زمین است انفاق کنی، قادر به ایجاد محبت در دل‌های آن‌ها نخواهی شد. ولی خداوند دل‌هایشان را به یکدیگر مهربان ساخت.^۳ بنابراین وحدت، پاداشی الهی است در مقابل تسلیم مؤمنان در برابر خداوند که قوت و ضعف وحدت، بستگی به میزان این تسلیم دارد.

۷. همکاری در خیرات: در قرآن مؤمنین به همکاری و تعاون در انجام کارهای نیک و دوری از گناه و دشمنی دعوت شده‌اند. این دعوت را می‌توان از جمله مهم‌ترین عوامل وحدت‌بخش در نظام اسلامی دانست. چنان‌که می‌خوانیم: ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾^۴؛ «(همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی با هم تعاون ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که مجازات خدا شدید است.»

۱. سید رضی، نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۹۲، ص ۳۹۷.

۲. انفال/۶۳.

۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۸.

۴. مائده/۲.

۸. اصلاح ذات البین: خداوند متعال در آیه دیگر از قرآن مجید می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَابِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾^۱؛ «مؤمنان برادر یکدیگرند، پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید.»

اصلاح ذات البین و ایجاد تفاهم و زدودن کدورت‌ها و دشمنی‌ها و تبدیل آن‌ها به صمیمیت و دوستی، یکی از مهم‌ترین برنامه‌های اسلام در جهت وحدت‌بخشی اجتماع است.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا﴾؛ «هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به جنگ پرداختند، میان آنان آشتی دهید.»^۲

۳. تمسک به اهل بیت علیهم‌السلام

پیروی از اهل بیت علیهم‌السلام از جمله اصلی‌ترین عوامل ایجاد اتحاد و وحدت میان مسلمانان است. اگر همه مسلمانان عالم به اهل بیت تمسک جویند، بی‌تردید وحدت و اتحاد اسلامی در جهان برقرار خواهد شد.

امیرالمؤمنین در خصوص فضیلت اهل بیت علیهم‌السلام می‌فرماید: «هُمُ أَسَاسُ الدِّينِ وَ عِمَادُ الْيَقِينِ؛ «اهل بیت علیهم‌السلام اساس دین و پایه یقین هستند؛» زیرا آنان، مفسر قرآن و تبیین‌گر شریعتند و شبهات دینی به واسطه آنان برطرف می‌شود. قرآن ثقل اکبر و ائمه علیهم‌السلام ثقل اصغر خوانده شده‌اند. اهل بیت علیهم‌السلام ملاک و معیار صراط مستقیم و کمال انسانیتند. چنان‌که حضرت در بیانی دیگر می‌فرماید: «نحن النمرقی الوسطی»^۳.

پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، اهل بیت علیهم‌السلام را عامل وحدت و اتفاق و امان از اختلاف و تفرقه دانسته‌اند؛ «الْتَّجُومُ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَ أَهْلِ بَيْتِي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ»^۴. چنان‌که در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم (بموالاتکم تمت الكلمة و عظمت النعمة و ائتلفت الفرقة).

به‌وسیله موالات و دوستی شما کلمه تمام است و نعمت به بزرگی خود می‌رسد

۱. حجات/۱۲.

۲. حجات/۸.

۳. پژوهشگاه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، یکصد درس از زندگی امام علی علیه‌السلام، ص ۲۱.

۴. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۳۰۹.

و افتراق و جدایی سد باب می‌شود. پرواضح است که محبت بدون معرفت ایجاد نمی‌شود.

محبت، مقدمه اطاعت است. همان‌گونه که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا»^۱.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «تظهر تعصى الإله و أنت حبه لو كان حبك صادقاً لأطعته إن المحب لمن يحب مطيع»^۲.

امیرالمؤمنین علیه السلام در فضیلت اهل بیت علیهم السلام می‌فرماید: آخر اندکی به اهل بیت علیهم السلام پیامبرتان نظر اندازید و رفتارشان را آئین زندگی‌تان سازید و به هر کاری کرده‌اند و می‌کنند بپردازید. هرگز از جاده درستی شما را به در نمی‌کنند و به سوی وضع هلاکت‌باری که پیشتر داشتید، نمی‌برند. پس اگر دریافتید که نشسته‌اند، بنشینید و چون پی بردید که برخواسته‌اند، برخیزید. پس بر آنان پیشی مگیرید که همراه می‌شوید و از ایشان هم عقب نمانید که زیان می‌بینید و رو به نابودی می‌روید^۳.

تنها قرآن و عترت است که می‌تواند ما را از لغزش‌ها حفظ کند. کسی که در مقام تمسک به حبل‌الله است، باید محتوا و چیستی آن را بداند. برای این کار نخست باید به حکم الهی علم پیدا کند و سپس بدان معتقد گردد و پس از این به آن حکم همواره عمل کند.

۴. تهذیب و تزکیه نفس

اخلاق، یکی دیگر از عوامل ایجاد اتحاد در بین مسلمانان است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ». من پیامبر به همین جهت مبعوث شدم^۴.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾^۵؛ با آنان

با خوشرویی و نرمی برخورد کن و اگر اینگونه نباشی، از اطرافت پراکنده می‌شوند. عفو و گذشت زمینه خشم و خشونت را در جامعه از بین می‌برد و عطف و مهربانی

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۷۴

۲. فدا حسین عابدی، تمسک به قرآن و عترت تنها راه وحدت در نگرش فریقین، جمهوری ۱۳ و ۱۵ و ۲۲/۸/۸۵

۳. سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۹۷، ص ۱۸۱.

۴. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۴۲۰.

۵. آل عمران/۱۵۹.

شعله‌های برافروخته شده اختلاف و دشمنی را فرو می‌نشانند. نرم‌خویی و خوش‌خلقی از جمله بایستگی‌های مقام رهبری در اسلام است. رفتارهای محبت‌آمیز، روابط میان انسان‌ها را مستحکم می‌کند و توطئه شیطان صفتان را برای اختلاف‌افکنی خنثی می‌سازد. حضرت یوسف علیه السلام به پدر و برادرانش چنین می‌فرماید: ﴿وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي﴾؛ و پروردگرم شما را از آن بیابان به اینجا آورد، پس از آنکه شیطان میان من و برادرانم را به هم زد.^۱

آن حضرت ما را به الفت و مهربانی و خوشرویی و مدارا با مردم سفارش فرموده‌اند: «بهترین شما در کردار آنانند که اخلاقشان بهتر است و با مردم سازگارند و مردم را با یگدیگر الفت می‌دهند».^۲

از جمله عوامل پیروزی رسول اکرم، رفتار و گفتار پرمهر آن حضرت در طول ایام رسالت است. پیشوای گرامی اسلام با اخلاق نیکو توانست مردم را گرد خود جمع نماید و در اعماق وجودشان نفوذ کند. اوامر الهی را به آنان برساند و از تربیت اسلامی برخوردارشان سازد.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این باره می‌فرماید: «أُمِرْتُ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِ الرَّسَالَةِ».^۳

اهمیت مدارا در اسلام به حدی است که اندیشمندان غربی نیز آن را از ویژگی‌های خاص اسلام دانسته‌اند. گوستاو لبون بر این باور است که عدل و داد اسلام موجب گسترش آن شده است و مردم به دلیل مدارای زیاد مسلمانان به اسلام ایمان می‌آورند. وی چنین می‌گوید: «زور شمشیر موجب پیشرفت قرآن نگشت، زیرا رسم اعراب (مسلمانان) این بود که هر کجا را که فتح می‌کردند، مردم آنجا را در اعتقاد به دین خود یا تغییر عقیده آزاد می‌گذاشتند. اینکه مردم مسیحی از دین خود دست برمی‌داشتند و به اسلام می‌گرویدند و زبان عربی را بر زبان مادری خود برمی‌گزیدند، به جهت عدل و دادی بود که از آن عرب‌های فاتح می‌دیدند و تا آن زمان مانندش را از زمامداران پیشین خود ندیده بودند.

ویل دورانت نیز در این زمینه می‌گوید: «اسلام در طی پنج قرن از لحاظ نیرو، نظم و بسط حکومت و تصفیة اخلاق و رفتار، وضع قوانین منصفانه، تساهل دینی، ادبیات

۱. یوسف/۱۰۰.

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول «مواعظ النبی»، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، ص ۴۴.

۳. همان، ص ۴۷.

و طب و فلسفه پیش‌آهنگ جهان بود ... هر چند محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیروان دین مسیح را تقبیح می‌کند، با این همه نسبت به ایشان خوش‌بین و خواستار ارتباط دوستانه بین آنها و پیروان خویش است. با اهل کتاب راه مدارا در پیش گرفت ...^۱

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾^۲؛ «با هم نزاع نکنید که سست می‌شوید و مهابت شما از بین می‌رود.»

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «وَلَا تَجَسَّسُوا وَ لَا تَنَافَسُوا وَ لَا تَحَاسَدُوا وَ لَا تَبَاغَضُوا وَ لَا تَدَابَرُوا وَ كُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا»^۳، «در کار یکدیگر تجسس نکنید و از حقد و کینه و بغض نسبت به هم پرهیز کنید و بنده خدا باشید و برادران یکدیگر». حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «مِثْلُ الْأَخْوِينِ مِثْلُ الْيَدَيْنِ يَغْسِلُ أَحَدُهُمَا الْأُخْرَى»^۴.

در این حدیث پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دو برادر را به دو دست تشبیه می‌کند. دو دستی که هر کدام با کمک دیگری زشتی‌ها و پلیدی‌های یکدیگر را می‌شویند و با هم بودن آن دو موجب کمال است.

مؤمنان در دوستی و رحمت و عطوفت به یکدیگر مانند اعضای پیکر انسانند. هرگاه عضوی رنجور و دردمند گردد، اعضای دیگر هم متأثر خواهند شد.

۵. تأمل در حالات جوامع گذشته و افزایش علم

در صورت بالا رفتن سطح علمی، جامعه کمتر دچار تنش و اضطراب می‌شود. تنش در جامعه، زمینه را برای ایجاد اختلاف و تفرقه و از بین رفتن وحدت اجتماعی فراهم می‌کند. بالا بردن سطح فرهنگ و علم، موجب ثبات اجتماعی می‌شود. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در این باره می‌فرماید:

پس در دوگانگی حالاتشان نظر کنید؛ گاه در جایگاه عزت نشستند و دشمنانشان ناپدید شدند، عافیت از هر سو بر سرشان سایه افکند و امکانات در اختیارشان قرار گرفت، بزرگ‌منشی شیرازه روابطشان را پیوند داد. این بود نتیجه پرهیز از پراکندگی و التزام به همبستگی و تأکید بر آن و از هر عاملی که پایه‌های استواری امت‌های پیشین را درهم شکست و نیروهایشان را به تحلیل برد، مانند کینه‌ورزی، تنگ‌نظری،

۱. جمعی از دانشمندان، استراتژی تقریب مذاهب (مجموعه مقالات)، ص ۱۶۵.

۲. انفال/۴۶.

۳. جلیل امید، آیا تفرقه از بین رفتنی است؟ (گفتگو)، نشریه ایران، ۷۹/۴/۱.

۴. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۷۳.

پشت کردن به یکدیگر و روی گردانی از هم دوری کنید.
امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۱۹۲، بزرگترین عامل عزت و سرافرازی امت‌های گذشته را اتحاد و اتفاق آن‌ها می‌داند و مهم‌ترین عامل شکست و ذلت و سقوط را تفرقه و جدایی می‌شناسد.

حضرت می‌فرماید: در گذشتگان بنگرید. زمانی که وحدت اجتماعی داشتند و خواسته‌های آنان یکی بود، قلب‌های آنان یکسان و دست‌های آنان مددکار یکدیگر و اراده‌ها واحد و همسو بود. آیا در آن حال مالک و سرپرست سراسر زمین نبودند و رهبر و پیشوای همه دنیا نشدند؟ و اگر به پایان کار آن‌ها نیز بنگرید، در آن هنگام که به تفرقه پراکنی روی آوردند و مهربانی و دوستی آنان از بین رفت و درون و بیرونشان گوناگون شد و از هم جدا شدند، خدا لباس کرامت خود را از تنشانش بیرون کرد و نعمت‌های فراوان و شیرین را از آن‌ها گرفت. بنابراین اتحاد و ائتلاف، عامل اعتلا و پیروزی و اختلاف و پراکندگی، عامل سقوط و نگون‌بختی است.

۶. تقویت مناسک دینی و ارزش‌های اسلامی

نماز جماعت به ویژه آن‌گاه که در مسجد برپا شود، زمینه خوبی را برای تمرکز حواس در عبادت و تقرب جستن انسان به خداوند متعال فراهم می‌کند و در عین حال نشان‌دهنده وحدت مسلمانان و بیان‌گر پیوستگی و همبستگی آنان است. نمایش پرشکوهی که همه روزه در شکل نماز جماعت در مساجد مسلمانان برپا می‌شود، در پایان هفته و نیز به گونه‌ای فراگیر و شکوهمند در قالب نماز جمعه برگزار می‌شود، از مظاهر کامل وحدت و همبستگی مسلمانان به شمار می‌رود. پس نماز همچنان که معراج مؤمنین و مایه تقرب پارسایان و روشنی‌بخش دیده عارفان است، خار چشم شیطان و منافقان نیز می‌باشد. حضور پیروان مذاهب مختلف اسلامی در مسجد، شکوه وحدت مسلمانان و یکپارچگی آنان در برابر جبهه واحد، کفر و شرک و نفاق را به نمایش می‌گذارد. این حضور برادرانه، فرصتی برای تبادل آرا و افکار گوناگون است تا در اثر آن رشد روزافزون اجتماعی و فرهنگی مسلمانان رقم خورد.

۷. دوست داشتن وطن؛ عامل وحدت ملی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ»، «دوست داشتن وطن جزئی از ایمان است».

«عمرت البلدان بحبّ الأوطان»^۱؛ «اتحاد جغرافیایی از دیگر عوامل ایجاد رابطه بین افراد جامعه است». در گستره جغرافیایی مربوط به یک ملت، عرق ملی و وطن پرستی در افراد آن ایجاد می‌گردد. انسان علاقه‌مند به وطن برای امنیت آن تلاش می‌کند و موجب آبادانی کشورش می‌شود. این امنیت و آبادانی تحقق پیدا نمی‌کند، مگر در سایه اتحاد ملی که سرچشمه آن را می‌توان در حب به وطن مشاهده کرد. در آخر لازم به یادآوری است؛ مقصود از وحدت بین مذاهب این نیست که شیعیان از عقاید خود برگشته و سنی شوند یا اهل تسنن اصول و عقاید خویش را رها کرده و شیعه گردند، بلکه:

۱. وحدت میان مسلمین به معنی نزدیک شدن فرقه‌های اسلامی به یکدیگر، با حفظ کیان و ماهیت آنهاست.
 ۲. به معنی حفظ اصول مشترک و آزاد گذاشتن و معذورداشتن هر فرقه در فروع ویژه خود اوست.
 ۳. به معنی عدم نزاع و درگیری فرقه‌ها و اطلاع همگان از عقاید یکدیگر و حساس نبودن نسبت به ویژگی‌های فرقه‌های دیگر است.
- راه رسیدن به این هدف تکیه کردن بر عقل و منطق و دوری گزیدن از احساسات زودگذر و تعصبات غیرقابل کنترل است.^۲

منابع و مأخذ:

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. استراتژی تقریب مذاهب (مجموعه مقالات)، مجمع جهانی مذاهب اسلامی، تهران، ۱۳۸۴.
۴. اکبری، مسیب، وحدت اسلامی تقریب مذاهب آئین برادری وحدت مسلمانان، کیهان ۸۴/۳/۸/۵ (نماینه).
۵. امید، جلیل، آیا تفرقه از میان رفتنی است؟ (گفتگو)، نشریه ایران، ۷۹/۴/۱.
۶. برقی، محمد، نقش مسجد در وحدت ملی، کار و کارگر، شماره ۷۶/۱۲/۱۴ (نماینه).
۷. پژوهشکده تحقیقات نمایندگی ولی فقیه در سپاه، یکصد درس از زندگی امام علی (ع)، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۱.
۸. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی، سیره پیامبران در قرآن، اسراء، قم، ۱۳۷۶.
۹. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ترجمه: محمدباقر کوه‌کمره‌ای، کتاب‌چی، تهران، ۱۳۸۰.

۱. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمة، ج ۱۰، ص ۵۲۲.

۲. سید جواد مصطفوی، پرتوی از نهج البلاغه، مقاله ۱۱، ص ۲۱۳.

۱۰. راشدی، حسن، نمازشناسی، چاپ چهارم، ستاد اقامه نماز، محل نشر، ۱۳۸۵.
۱۱. رضوانی، علی اصغر، اسلام شناسی (پاسخ به شبهات)، چاپ دوم، مسجد مقدس جمکران، قم، زمستان ۸۵.
۱۲. عابدی، فداحسین، تمسک بر قرآن و عترت تنها راه وحدت در نگرش فریقین، جمهوری ۱۳ و ۱۵/۱۲/۸۵.
۱۳. عراقی، محمد، اهل بیت بنیان گذار تقریب مذاهب (سخنرانی در کنفرانس تقریب مذاهب الجزایر)، ابرار، ۸۰/۲/۱۰.
۱۴. علیقلی، محمدمهدی، سیمای نهج البلاغه، تاریخ فرهنگ، تهران، ۱۳۷۹.
۱۵. فاضلی، خلیل الله، وحدت ملی؛ مطالعات دفاعی و استراتژیک، ش ۶/۵.
۱۶. کمال ناصری، محمد، هفته وحدت فرصتی برای تشدید همگرایی آحاد امت اسلامی، نگهبان ۴۸ (نماینه).
۱۷. مبانی و اهداف وحدت اسلامی، استاندارد ۷ (نماینه).
۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ ق.
۱۹. محدثی، جواد، رمز و راز وحدت از دیدگاه امام صادق علیه السلام، مجله پزشکی کوثر، شماره ۱۶ (نماینه).
۲۰. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، مکتب اعلام الاسلامی، ۱۳۶۳.
۲۱. مختاری، مجید، توحید پایه اصلی امت واحده، روزنامه رسالت ۸۳/۳/۱۹ (نرم افزار نماینه).
۲۲. مصطفوی، سید جواد، پرتوی از نهج البلاغه، مقاله ۱۱، دانشگاه فردوسی، مشهد، اسفند ۷۲.
۲۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۶، صدر، ۱۳۷۷.
۲۴. معادی خواه، عبدالمجید، فرهنگ آفتاب (فرهنگ تفصیلی نهج البلاغه)، چاپ دوم، ذره، تهران، ۱۳۸۴.
۲۵. مفخمی مهرآبادی، مظفر، هفته وحدت تقریب مذاهب اسلامی، اطلاعات ۸۵/۱/۲۶ (نماینه).
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۲۷. هویدی، محمد، تفسیر معین للواعظین و المتعظین، کیمیا، ۱۴۲۴ ق.